

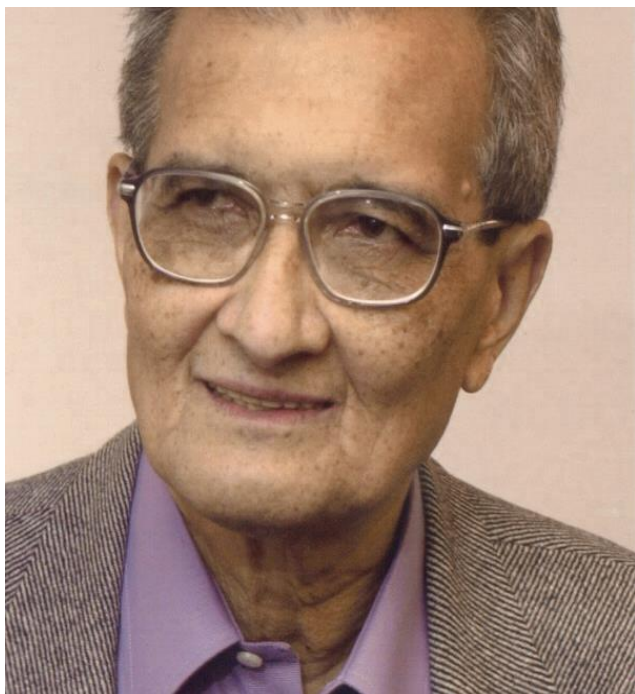
معرفی کتاب توسعه به مثابه آزادی

ارائه در موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

میشم بشیری

آذر ماه ۱۳۹۸

معرفی نویسنده



آمارتیا سن

تدریس :

- دانشگاه هاروارد
- دانشگاه کورنل
- مدرسه اقتصاد دهلی
- دانشگاه کمبریج
- دانشگاه آکسفورد
- مدرسه اقتصاد لندن
- دانشگاه پرینستون
- دانشگاه جاداپور

- متولد : ۳ نوامبر ۱۹۳۳
- ملیت : هندی بریتانیایی - ایالت بنگال
- رشته : اقتصاد رفاه
- فعالیت در زمینه : تئوری توسعه انسانی
- جوایز : جایزه نوبل در علوم اقتصاد (۱۹۹۸)
- جایزه بهارات راتنا
- متاثر از : جان راولز

فهرست مطالب

مقدمه

فصل اول : چشم‌انداز آزادی

فصل دوم :هدف و ابزارهای توسعه

فصل سوم : آزادی و پایه‌های عدالت اجتماعی

فصل چهارم : فقر به مثابه محرومیت

فصل پنجم : بازار، دولت و فرصت‌های اجتماعی

فصل ششم : اهمیت مردم سالاری

فصل هفتم : گرسنگی و دیگر بحران‌ها

فصل هشتم : نقش فاعلی زنان و تغییرات اجتماعی

فصل نهم : جمعیت، غذا و آزادی

فصل دهم : فرهنگ و حقوق بشر

فصل یازدهم : انتخاب اجتماعی و رفتار فردی

فصل دوازدهم : آزادی فردی به مثابه مسؤلیت اجتماعی

مقدمه

- ❖ آدابویای غنایی می‌گوید: «فقر مثل گرما است، شما نمی‌توانید آن را ببینید، فقط می‌توانید آن را احساس کنید، بنابراین باید در متن آن قرار گیرید». کتاب «توسعه به مثابه آزادی» طی یک دهه اخیر شاید مهم‌ترین کتاب در این حوزه باشد.
- ❖ **توسعه** آنگونه که در این کتاب مورد تاکید قرار گرفته است **فرایند گسترش آزادی واقعی** است که مردم از آن سود می‌جویند. این فرایند با دیدگاه‌هایی که توسعه را برابر با رشد تولید ناخالص ملی، افزایش درآمد افراد، پیشرفت تکنولوژیک یا نوسازی اجتماعی می‌داند مغایرت دارد.
- ❖ از این دیدگاه توجه بیشتر بر **اهداف توسعه** متمرکز است تا بر **ابزارهای مورد نیاز** برای رسیدن به آن.
- ❖ توسعه آن هنگام محقق می‌شود که **عوامل اساسی ضد آزادی** از قبیل فقر و ظلم، فرصت‌های کم اقتصادی، محرومیت، نظام ضد اجتماعی، بی‌توجهی به تامین امکانات عمومی و عدم تسامح و یا دخالت بیش از حد دولت‌های سرکوبگر از بین برود.

مقدمه

❖ به رغم افزایش بی سابقه ثروت عمومی در جهان معاصر، کماکان گروه‌های وسیعی از مردم از آزادی‌های اولیه بی بهره هستند. با وجود فقر اقتصادی افراد نمی‌توانند در رفع نیازهای اولیه (تغذیه کافی، معالجه و درمان، پوشاک و ...) آزادی عمل داشته باشند. از طرف دیگر نبود آزادی ارتباط تناگاتنگ با کمبود امکانات و برنامه‌های عمومی و تامین اجتماعی دارد.

❖ آزادی به دو دلیل زیر نقش اساسی در فرایند توسعه دارد:

1. دلیل سنجش (ارزیابی): موفقیت جامعه را باید اساساً با آزادی‌های اساسی که مردم از آن سود می‌جویند ارزیابی کرد.
2. دلیل کارایی: آزادی نه تنها مبنای ارزیابی از موفقیت و شکست است بلکه یکی از مولفه‌های تعیین‌کننده ابتکارات فردی و کارآیی اجتماعی است. آزادی بیشتر باعث افزایش و بهبود توانایی افراد در خدمت به خودشان می‌شود و همچنین بر جهان اطراف نیز تاثیر می‌گذارد و این موضوعات در فرآیند توسعه نقش محوری دارند.

مقدمه

❖ **آزادی** ها نه فقط **اهداف اولیه توسعه** بلکه از جمله **ابزارهای اصلی توسعه** نیز هستند.

❖ آزادی‌های سیاسی، کمک به گسترش امنیت اقتصادی می‌کند. فرصت‌های اجتماعی مانند (امکانات آموزشی و

بهداشتی) مشارکت اقتصادی را ممکن می‌سازد. امکانات اقتصادی (در شکل تامین فرصت‌های مشارکت در تجارت و

تولید) نیز می‌تواند منابع عمومی لازم برای تسهیلات اجتماعی را فراهم کند. خلاصه آنکه، **انواع مختلف آزادی‌ها**

می‌توانند همدیگر را تقویت کند.

فصل اول – چشم‌انداز آزادی

❖ نبود آزادی سیاسی و حقوق مدنی اساسی از دیگر جنبه‌های محرومیت از آزادی است. یکی از ابعاد توسعه اقتصادی امنیت اقتصادی است. ناامنی اقتصادی می‌تواند با نبود آزادی‌ها و حقوق مردم سالارانه ارتباط پیدا کند. مردم سالاری و حقوق سیاسی می‌تواند در پیشگیری از قحطی و دیگر فجایع اقتصادی کارکرد داشته باشد.



فصل اول – چشم‌انداز آزادی

- ❖ دولت‌های مردم سالار به خاطر پیروزی در انتخابات و مواجهه با نقدهای عمومی انگیزه‌های بسیار قوی برای ریشه کن کردن قحطی دارند. برعکس دو کشور کره شمالی و سودان که مصادیقی از حاکمیت دیکتاتوری هستند سرآمد " لیگ قحطی " هستند.
- ❖ آزادی‌های سیاسی و مدنی به طور مستقیم و فی نفسه اهمیت دارند و نباید اهمیت آنها را به طور غیرمستقیم و بر حسب تاثیری که بر اقتصاد دارند توجیه کرد. این آزادی‌ها عناصر اساسی آزادی انسان هستند و انکار آنها بازدارنده است.
- ❖ **نبود آزادی** می‌تواند هم ناشی از **فرایندهای ناکافی** (مانند نقض حق رأی یا نقض حقوق سیاسی و مدنی) و هم **فرصت‌های ناکافی** (مانند نبود فرصت‌های اولیه چون قابلیت جلوگیری از مرگ زودرس یا پیشگیری از وقوع بیماری‌ها و گرسنگی غیرارادی) که مردم برای دستیابی به حداقل خواسته‌های خود در اختیار دارند، باشد. بنابراین فرایندها و فرصت‌ها هر دو اهمیت خاص خود را دارند.

فصل اول – چشم‌انداز آزادی

- ❖ اهمیت اساسی آزادی‌های فردی در مفهوم توسعه به دلیل **سنجش و کارآمدی** مرتبط است.
- ❖ آزادی‌های فردی به ذات پدیده‌ای اجتماعی است و رابطه دوسویه‌ای بین ترتیبات اجتماعی و آزادی‌های فردی وجود دارد. ترتیبات اجتماعی از یک طرف گسترش‌دهنده آزادی‌های فردی است و از طرف دیگر استفاده از آزادی‌های فردی زندگی را بهتر و کارآمدتر می‌کند.
- ❖ به واقع در دیدگاه آزادی‌گرا، **آزادی تمام مردم برای مشارکت در تصمیم‌گیری پیرامون سنت‌ها** را نه مقامات مذهبی، نه حاکمان سیاسی (یا دیکتاتورهای دولتی) و نه کارشناسان فرهنگی (داخلی و خارجی) نمی‌توانند نادیده بگیرند.
- ❖ حل هر نوع تضاد واقعی بین حفظ سنت و برخورداری از مزیت‌های مدرنیته **راه حل مشارکتی** را می‌طلبد.

فصل دوم – هدف و ابزارهای توسعه

- ❖ در رویکردی که توسعه را یک فرایند دوستانه و نه یک فرایند دردناک و خشن می‌داند **گسترش آزادی** هم به‌عنوان **هدف اولیه** (**نقش نهادی/اساسی توسعه**) و هم به‌عنوان **ابزارهای اصلی توسعه** (**نقش ابزاری توسعه**) در نظر گرفته شده است
- ❖ آزادی‌های اساسی شامل قابلیت‌های اولیه مانند توانایی در اجتناب از محدودیت‌هایی مانند گرسنگی، سوء تغذیه، بیماری و مرگ زودرس است.
- ❖ آزادی‌هایی که با سواد و خواندن، لذت بردن از مشارکت سیاسی و بیان آزاد همراه هستند و نقش نهادی توسعه گسترش این آزادی‌هاست. که از بحث نقش ابزاری آن جداست.
- ❖ **آزادی‌ها و حقوق ابزاری** اغلب در **پیشرفت اقتصادی** موثر هستند. این نقش با انواع مختلف حقوق و فرصت‌ها که گسترش آزادی انسان و تسریع فرایند توسعه سهم‌اند ارتباط دارد.

فصل دوم – هدف و ابزارهای توسعه

انواع آزادی‌های ابزاری عبارتند از:

❖ **آزادی سیاسی:** شامل آنچه حقوق مدنی نامیده می‌شود ناظر بر فرصت‌هایی است که به مردم اجازه می‌دهد تعیین کنند چه کسی و بر مبنای چه اصول باید حکومت کند. امکان نقد و موشکافی مقامات، آزادی بیان سیاسی، مطبوعات آزاد، آزادی در گزینش احزاب سیاسی و را نیز در برمی‌گیرد.

❖ **تسهیلات اقتصادی:** ناظر بر فرصت‌هایی است که افراد از آن به ترتیب بهره می‌گیرند تا منابع اقتصادی را برای اهداف مصرف یا تولید و یا مبادله به کار گیرند. در فرایند توسعه اقتصادی، درآمد و ثروت یک کشور افزایش یافته و باعث بهبود حقوق اقتصادی مردم می‌شود.

❖ **فرصت‌های اجتماعی:** شامل ترتیباتی است که جهت آموزش بهداشت عمومی و غیره که بر آزادی‌های اساسی افراد جهت زندگی بهینه تاثیر می‌گذارند، می‌شود. این فرصت‌ها نه تنها برای هدایت زندگی شخصی (مانند سلامتی؛ اجتناب از افسردگی) بلکه برای مشارکت مؤثر آنها در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی اهمیت دارند. (برای مثال بی‌سوادی ممکن است مانع مشارکت اقتصادی شود).

فصل دوم – هدف و ابزارهای توسعه

انواع آزادی‌های ابزاری عبارتند از:

❖ **تضمین شفافیت:** در کنش متقابل اجتماعی رفتار افراد براساس این پیش فرض که چه چیزی به آنها ارائه می‌شود و از آنها چه انتظاری باید داشت شکل می‌گیرد. بنابراین جامعه براساس فرض اعتماد به یکدیگر عمل می‌کند. تضمین شفافیت مانند حق افشاگری حقایق می‌تواند ابزاری برای حفظ این اعتماد در جامعه باشد.

❖ **تامین امنیت:** قلمرو تامین امنیت شامل ترتیبات نهادی معینی مانند بیمه بیکاری و کمک‌های درآمدی لازم برای فقرا، ترتیبات لازم برای مواجهه با قحطی و ... است. تامین امنیت برای ایجاد شبکه‌های تامین اجتماعی و جلوگیری از تهیدستی یا گرسنگی و مرگ مردم لازم است.

فصل دوم – هدف و ابزارهای توسعه

❖ **آزادی‌های فردی** در فرایند توسعه از نقش کلیدی برخوردار است.

❖ مثال: معجزه اقتصادی شرق آسیا: توسعه اقتصادی ژاپن متأثر از توسعه منابع انسانی (آموزش بهداشت و...) مرتبط با فرصت‌های اجتماعی است.

❖ این آزادی‌ها از یک طرف متأثر از **حمایت اساسی دولت در تامین امکاناتی** است که به تشکیل و استفاده از قابلیت‌های انسانی کمک می‌کند و از سوی

دیگر **متأثر از حفاظت اجتماعی آزادی‌ها**، شامل امکان مبادله و معاملات است. در تایید تاثیر این آزادی‌ها بر فرایند توسعه دو نمونه هند و چین قابل

توجه است. چین از ۱۹۷۹ و هند از ۱۹۹۱ تلاش‌های بسیاری در جهت حرکت به سمت اقتصادی باز و فعال در عرصه بین‌المللی و مبتنی بر بازار داشته‌اند. با

وجود موفقیت‌های بدست آمده در هند این نتایج مانند نتایج به دست آمده در چین نبوده است. این امر به دلیل **آمادگی اجتماعی بیشتر چین** برای ورود

به مسیر اقتصاد بازار در مقایسه با هند است. چین قبل از اصلاحات اقدام‌های مهمی برای آموزش اولیه و بهداشت عمومی انجام داده بود.

❖ در کشورهایی مانند پاکستان، هند و برزیل **فرصت‌های اجتماعی کم مانع توسعه اقتصادی** آنها است و این کشورها به رغم رشد اقتصادی سرانه بالا،

ابتلا به نابرابری اجتماعی شدید، بیکاری و غفلت از مراقبت‌های بهداشت عمومی جزء تاریخ آنها است.

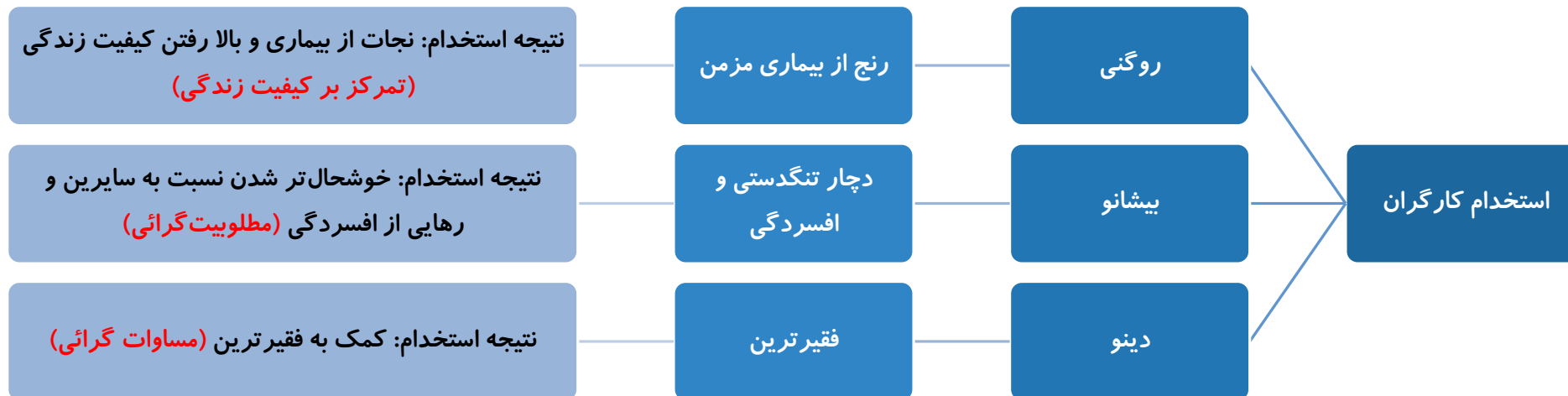
فصل دوم – هدف و ابزارهای توسعه

- ❖ اهداف و ابزارهای توسعه فراخوانی جهت قرار دادن **چشم‌انداز آزادی در مرکز عمل** است.
- ❖ در این چشم‌انداز مردم به‌عنوان **عناصر فعالی** به فرض وجود فرصت‌ها که در تعیین سرنوشت خود مشارکت دارند دیده می‌شوند و نه فقط به‌عنوان **دریافت‌کنندگان منفعل** میوه‌های برنامه‌های توسعه.
- ❖ دولت و جامعه نقش مهمی در تقویت و محافظت از **قابلیت‌های انسانی** دارند. این نقش **جنبه حمایتی** دارد تا دخالتی.
- ❖ چشم‌انداز آزادی محور بر مبنای اهداف و ابزارهای توسعه ادعای ارائه بصیرت‌های جدید به ما را دارد.

فصل سوم – آزادی و پایه‌های عدالت اجتماعی

❖ بحث را با ذکر تمثیلی آغاز می‌کنیم: آناپورنا دنبال فردی است که با او را تمیز کند. سه کارگر بیکار به نام‌های زیر داوطلب انجام کار

هستند:



❖ تفاوت‌های موجود در اصول پیش‌رو ریشه در **اطلاعات خاصی** دارد که در تصمیم‌گیری‌ها باید لحاظ شوند. اگر **حقیقت** در مورد هر سه گفته شده باشد تصمیم‌گیری بستگی به این دارد که کدام یک از اطلاعات **وزن سنگین‌تری** دارد.

فصل سوم – آزادی و پایه‌های عدالت اجتماعی

- ❖ از پرنفوذترین نظریه‌های معاصر در مورد عدالت نظریه جان راولز است. یکی از مولفه‌های این نظریه **اولویت آزادی** است.
- ❖ براساس نظریه انعطاف‌ناپذیر راولز، **آزادی اولویت همه جانبه‌ای** دارد. درحالی که می‌توان آن را از طریق ملاحظاتی چون نیازهای شدید اقتصادی مانند مساله مرگ و زندگی زیر سوال برد. اولویت آزادی باید به گونه‌ای باشد که به نادیده گرفتن نیازهای اقتصادی منجر نشود.
- ❖ سوال این است که آیا اهمیت آزادی‌های فردی به اندازه دیگر مزیت‌های فردی مانند درآمد مطلوب است؟ باید گفت که اختلاف در گستره‌ای است که داشتن آزادی یا حقوق بیشتر، مزیت‌های فردی افراد برخوردار از این حقوق را افزایش می‌دهد و یا بهبود می‌بخشد.
- ❖ اولویت تمام و کمال آزادی آن‌گونه که در نظریه‌های آزادی‌گرایی بر آن تاکید می‌شود، به دلیل **محدودیت مبنای اطلاعاتی** از عدالت غیرمنطقی است. برای بحث در این زمینه نیاز به مبنای اطلاعاتی وسیع‌تری از عدالت است.

فصل سوم – آزادی و پایه‌های عدالت اجتماعی

❖ آنچه که در تعریف رفاه به کار برده می‌شود به شرایط نامعلومی چه در حوزه اجتماعی و چه در حوزه شخصی بستگی دارد. دست کم ۵ نوع متفاوت از منابع اختلاف بین درآمدهای واقعی و مزیت‌های (رفاه و آزادی) افراد شناسایی شده است: **ناهمگنی‌های فردی** (تفاوت افراد در بیماری، سن، جنسیت)، **تنوع محیطی** (شرایط مختلف آب و هوایی)، **تنوع در بافت اجتماعی**، **تفاوت در جنبه‌های ارتباطی و توزیع درآمد درون خانواده** می‌شود.

❖ این تفاوت‌ها بین درآمد و خوشبختی موجب می‌شود که **ثروت راهنمای ناقصی برای رفاه و کیفیت زندگی** باشد. با وجود این که درآمد تاثیر زیادی بر آنچه که می‌توانیم یا نمی‌توانیم انجام دهیم دارد و کمبود آن اغلب علت عمده محرومیت است ولی بهتر است که به تحلیل درآمدی صرف بسنده نکنیم.

فصل چهارم : فقر به مثابه محرومیت

❖ زمانی که مزیت افراد بر حسب **قابلیت‌های** آنها بیان می‌شود و **فقر** به‌عنوان **محرومیت از قابلیت‌های اساسی** تعریف می‌شود. محرومیت از قابلیت نه فقط **کمبود درآمد** که **معیار متعارف استاندارد برای شناسایی فقر** است.

❖ به رغم تباین مفهومی فقر ناشی از کمبود قابلیت و فقر به مثابه کمبود درآمد، این دو مفهوم با هم ارتباط دارند. درآمد یک ابزار مهم برای دستیابی به قابلیت‌هاست و افزایش قابلیت‌ها بیشتر منجر به افزایش درآمد از طریق افزایش توانایی شخص می‌شود.

فصل پنجم: بازار، دولت و فرصت‌های اجتماعی

❖ در چند دهه اخیر **مزیت‌های بازار** در مقابل **دولت** به‌عنوان یک فرض مسلم پذیرفته شده است. و برتری سازوکار آن به طور استاندارد مفروض گرفته می‌شود که به اثبات علمی آن مزیت‌ها توجهی نمی‌شود. اگر چه این مزیت‌ها در حد وسیعی مورد تایید است، ولی دلایل نیاز به بازار به شکل جامع بررسی نشده است.

❖ یکی از علل موفق نبودن یک جامعه **انکار آزادی مبادله** است که از طریق آن افراد در جستجوی زندگی شکوفا هستند. نبود آزادی معامله خود می‌تواند یک موضوع اساسی در بسیاری از زمینه‌ها باشد و به‌ویژه زمانی که آزادی نیروی کار به وسیله قوانین و مقررات و عرف نادیده گرفته می‌شود. نبود آزادی در انتخاب کار یا شکل مستبدانه آن (برده‌داری) یکی از بزرگترین محرومیت‌ها محسوب می‌شود.

❖ در ارزیابی سازوکار بازار لازم است اشکال مختلف آن شناسایی شود. این که آیا بازار رقابتی است یا انحصاری، آیا بخشی از آن اصلاح‌پذیر است یا نه. از طرف دیگر ویژگی شرایط مبتنی بر واقعیت (مانند دسترسی یا دسترسی نداشتن به اطلاعات خاص، بودن یا نبودن صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس) می‌تواند امکانات موجود را متاثر و دستاوردهای ناشی از سازوکار بازار را محدود سازد. در صورت نبود نواقص مذکور، **مدل‌های کلاسیک تعادل عمومی (به‌ویژه در شکل استاندارد بهینه پارتیه)** برای نشان دادن مزیت سازوکار بازار در دستیابی به کارایی اقتصادی بکار گرفته شده است.

فصل پنجم : بازار، دولت و فرصت‌های اجتماعی

- ❖ طبق تعریف بهینه پارتیه افزایش مطلوبیت یک فرد در گرو کاهش مطلوبیت فرد دیگر است. همچنین ارو و دبرو، بیان داشته‌اند پیامدهای نهایی سازوکار بازار نمی‌تواند به بهبود مطلوبیت تمام افراد کمک کند.
- ❖ در توضیح نتایج آزادی - کارایی باید دانست که کارایی در شکل مطلوبیت‌های فردی تا حد زیادی وابسته به عرضه فرصت‌هایی است که افراد می‌توانند انتخاب کنند. این فرصت‌ها همچنین به انتخاب سودمند افراد نیز ارتباط دارد.
- ❖ اگر چه نتایج کارایی بازار گسترش چشم‌انداز آزادی‌های اساسی را به دنبال دارد ولی این نتایج در مورد برابری پیامدها یا برابری توزیع آزادی‌ها ساکت است.
- ❖ مشکل نابرابری آنگاه بزرگ جلوه می‌کند که نگاه خود را از نابرابری درآمد به نابرابری توزیع آزادی‌های اساسی و قابلیت‌ها معطوف کنیم. این موضوع ناشی از این است که میان نابرابری درآمد از یک سو و مزایای نابرابری در تبدیل درآمد به قابلیت از سوی دیگر، امکان نوعی همراهی وجود دارد (برای مثال شخص بیمار یا معلول از یک سو در کسب درآمد آبرومند مشکل دارد و از سوی آنگاه که درآمد را به قابلیت و زندگی مناسب مبدل می‌سازد با مشکلاتی عظیم‌تر مواجه می‌شود).

فصل پنجم : بازار، دولت و فرصت‌های اجتماعی

- ❖ در یک جامعه برخوردار از آزادی آرا، سوداگران در رسیدن به اهداف خود ناشی از کارکرد بازار ناموفق می‌مانند. به عبارت دیگر با بودن مردم سالاری می‌توان از منافع اکثریت در مقابل سوداگران اقلیت مقتدر دفاع کرد.
- ❖ با بودن مردم سالاری باز مردم می‌توانند از منافع خود در مقابل سوداگران اقلیت دفاع نمایند. بنابراین راه حل این مشکل همانند حوزه‌های دیگری که پیش‌تر بحث شد در آزادی بیشتر همانند مباحثه عمومی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است.

فصل ششم : اهمیت مردم سالاری

- ❖ در بسیاری از کشورهای جهان سوم است بسیار دور از انتظار نیست که **جبر نیازهای اقتصادی** همه خواسته‌های دیگر همانند آزادی‌های سیاسی و مدنی را کنار بزند (با وجود **شدت** نیازهای اقتصادی، **لوکس** بودن مردم سالاری و آزادی سیاسی در یک کشور فقیر بعید نیست).
- ❖ همواره این سوال وجود دارد که آیا باید ابتدا فقر و بدبختی را از بین برده یا آزادی‌های سیاسی و حقوق مدنی را تضمین کرد؟
- ❖ یک نوع پیوستگی (هم ابزاری و هم نهادی) بین این دو وجود دارد. فوریت نیازهای اقتصادی جدا از ضرورت آزادی سیاسی نیست ملاحظاتی از قبیل اهمیت مستقیم آزادی‌های سیاسی، نقش ابزاری آنها در بالا بردن امکان پیگیری خواسته‌های مردم و نقش نهادی آنها در درک نیازها موجب جهت‌دهی دیدگاه‌ها به سمت اولویت عام آزادی‌های سیاسی و حقوق مدنی پایه می‌شود.

فصل ششم: اهمیت مردم سالاری

- ❖ مخالفان آزادی‌های سیاسی و حقوق مدنی دیدگاه مخالف خود را از سه منظر **مردم سالاری**، **رشد اقتصادی** و **ماهیت ضد ارزش** ارایه نمایند.
- ❖ **مردم سالاری**: مردم سالاری و آزادهای سیاسی مانع رشد و توسعه اقتصادی است. در این زمینه مطالعات تجربی شواهدی که بیانگر تضاد عملکرد اقتصادی و آزادی‌های سیاسی باشد وجود ندارد و به عبارت دیگر نمی‌توان ادعا کرد که اقتدارگرایی و جلوگیری از آزادی‌های سیاسی و حقوق مدنی در ارتقای رشد اقتصادی بهتر عمل می‌کند و در کشورهای فقیر لزوماً این آزادی‌ها و حقوق همواره رعایت می‌شود.
- ❖ **رشد اقتصادی**: قضاوت در مورد توسعه اقتصادی فقط توجه به رشد تولید ناخالص ملی یا دیگر متغیرهای کلان اقتصادی کافی نیست. بلکه باید به تایید مردم سالاری بر قابلیت‌های افراد و نقض آن در جلوگیری از بلایای بزرگ مانند قحطی توجه کرد.
- ❖ **ماهیت ضد ارزش**: در مورد اینکه آیا فقیران به مردم سالاری و حقوق سیاسی اهمیت نمی‌دهند باید گفت در این مورد مانند مورد پیشین نیز شواهد تجربی کمی وجود دارد. برعکس نمونه‌هایی در هند و یا برخی کشورهای فقیر دیگر مانند برمه، پاکستان و بنگلادش و ... وجود دارند؛ که نشان دهنده تلاش مردم این کشوره برای آزادی‌های مردم سالارانه است (مثال: گاندی برای انتخابات فوریت توقف حقوق و آزادی‌های سیاسی اولیه را مطرح کرد که با پاسخ منفی قوی مردم فقیر هندوستان مواجه شد).

فصل ششم : اهمیت مردم سالاری

❖ درمقابل انتقادهای منفی از حقوق سیاسی ارزشهای مثبت این آزادیها را می توان در **اهمیت ابزاری** و **اهمیت ساختاری** و **نهادی** آن مشاهده کرد. در کشورهای مردم سالار که بهطور منظم در آنها **انتخابات** برگزار می شود، دارای **احزاب مخالف** است و **روزنامهها بدون سانسور** گزارش سیاستهای دولت را منتشر می کنند، بحرانهای شدید مانند قحطی دیده نمی شود و این بیانگر نقش ابزاری این آزادی ها است. از طرف دیگر ارتباط بین نیازهای اقتصادی و آزادیهای سیاسی در عین حال می تواند دارای یک جنبه ساختاری و نهادی باشد.

❖ درک نیازهای اقتصادی و بحث درباره محتوا و توانایی آن نیازمند بحث و گفتگو است که تنها در سایه آزادیهای سیاسی امکان پذیر است و تاکید همزمان بر نقش ابزاری و نهادی مردم سالاری موجب ایجاد فرصتهایی می شود که استفاده از آن به عواملی مانند قدرت سیاستهای چندحزبی و پویایی مباحث اخلاقی ارزشی بستگی دارد. این موضوع بیانگر اهمیت مجموعه شرایطی است که دامنه و میزان فرایند مردم سالاری را تضمین می کند.

فصل هفتم : گرسنگی و دیگر بحران‌ها

- ❖ سوء تغذیه، گرسنگی و قحطی نه تنها تحت تاثیر کارکرد کلی اقتصاد و جامعه و تولید غذا و فعالیتهای کشاورزی است (عرضه) بلکه از **شایستگی فرد برخوردار** از آن نیز تاثیر می‌پذیرد.
- ❖ این شایستگی خود متأثر از موجودی یعنی **مالکیت بر منابع تولید و ثروت، داشتن امکانات تولید و شیوه استفاده از آن** و شرایط مبادله یعنی **توانایی خرید و فروش کالا** و **تعیین قیمت‌های نسبی** تولیدات مختلف است. نبود این شایستگی به هر دلیلی، به بحران‌های غذایی منجر می‌شود.
- ❖ نمونه‌هایی از بحران‌های غذایی حتی در شرایطی که هیچ گونه کاهشی در تولید و امکان دسترسی به غذا وجود نداشته بیانگر این است که بحران‌های غذایی به عواملی غیر از میزان تولید بستگی دارد.
- ❖ مثال این نوع بحران غذایی بحران ۱۹۷۴ بنگلادش است که سرانه دسترسی به غذا در این سال بالاتر از سال‌های دوره ۱۹۷۱-۷۶ بود. علت این گرسنگی، بیکاری منطقه‌ای ناشی از بروز سیل بوده است.

فصل هفتم : گرسنگی و دیگر بحران‌ها

- ❖ ممکن است **کاهش قابل توجه قدرت خرید واقعی درآمد پولی** برخی از گروه‌های شغلی و در نتیجه افزایش قدرت خرید گروه‌های دیگر و **افزایش قیمت‌های مواد غذایی** منجر به گرسنگی شود.
- ❖ **از دست دادن شغل مفید** یکی دیگر از دلایل قحطی و گرسنگی در شرایط افزایش تولید غذاست.
- ❖ جهت پیشگیری از وقوع بحران غذایی می‌توان از **نظام حمایتی برخورداران** استفاده کرد. در کشورهای توسعه یافته‌تر این حمایت از طریق **برنامه‌های فقرزدایی و برقراری بیمه بیکاری** انجام می‌گیرد. ولی بیشتر کشورهای در حال توسعه از این گونه نظام‌های حمایتی محرومند.
- ❖ **فاصله سیاسی یا اجتماعی بین حاکمان و مردم** می‌تواند نقص مهمی در عدم جلوگیری از قحطی داشته باشد.
- ❖ **نقش مردم سالاری در پیشگیری از قحطی و اینکه با انتخابات، سیاست‌های چند حزبی و مطبوعات آزاد و منتقد می‌توان کاری کرد تا قحطی بوقوع نپیوندد یک واقعیت است.**

فصل هشتم : نقش فاعلی زنان و تغییرات اجتماعی

- ❖ جنبش‌های کنونی زنان در عین توجه به حقوق آنها از جنبه مربوط به بهروزی به حقوقی که در اساس **نقش فاعلی آزاد** زنان را هدف قرار داده است، توجه دارد. در گذشته فعالیت این جنبش‌ها معطوف به **بهینه کردن شرایط زنان** از جهت **بهروزی** بود، ولی امروزه اهداف این گونه جنبش‌ها از **تمرکز رفاه گرایانه** به **تاکید بر نقش فاعلیت زنان** با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند.
- ❖ نقش نهادی و فاعلیت زنان در عین حال بر ضرورت **برطرف کردن انواع نابرابری‌هایی** که بر بهروزی آنان اثر منفی داشته تاکید دارد.
- ❖ به‌منظور گسترش **تصویر هویت زنان** درک نقش فاعلی آنان برای **شناخت مسئولیت‌پذیری‌شان** اهمیت محوری دارد. بنابراین **اتخاذ شایستگی رویکردی عاملیت‌گرا** در مورد آنان ضرورت اساسی دارد.

فصل هشتم : نقش فاعلی زنان و تغییرات اجتماعی

- ❖ جنبه‌های مختلف زنان مانند **قدرت کسب درآمد**، **نقش اقتصادی بیرون از خانواده**، **سواد و آموزش**، **حقوق مالکیت** و نقش فاعلی زنان را تقویت و از این طریق آثار و سیعی بر نیروها و تنظیم قواعد تعیین کنند تقسیمات درون خانواده‌ها ی و به سور کلی اجتماعی دارد. این شایستگی‌ها و **نقش فاعلی مستقل زنان** در تصحیح نابرابری‌ها دخالت دارد.
- ❖ تغییر در نقش فاعلی زنان یکی از واسطه‌های اصلی تغییر **اقتصادی (دسترسی به منابع اقتصادی)** و **اجتماعی (مشارکت در نیروی کار، آموزش، تنظیم خانواده و سلامت کودکان)** است و عوامل تعیین‌کننده و نتایج آن با خیلی از جنبه‌های محوری فرایند توسعه ارتباط دارد. بنابراین درک کافی این نقص جنبه مهم توسعه به مثابه آزادی است.

فصل نهم : جمعیت، غذا و آزادی

- ❖ به رغم نگرانی در مورد **امکان تامین غذای کافی** برای جمعیت روبه رشد جهان، در تولید مواد غذایی در حال حاضر بحرانی وجود ندارد. بنابراین دلیل کمی برای بدبینی مفرط در زمینه پیشی گرفتن جمعیت جهان از تولید غذا وجود دارد ولی با این وجود **کاهش رشد جمعیت ضروری** است. چالش مرتبط با رشد بیش از حد جمعیت است.
- ❖ مالتوس کاملاً قانع شده بود که زمانی می‌رسد که تعداد انسان‌ها بیش از امکان معاش آنان باشد. هر چند ترس بلند مدت ناشی از تفکر مالتوس در مورد تولید مواد غذایی بی پایه است؛ اما دلایل فراوانی در دست است که باید در مورد میزان رشد جمعیت جهان نگران بود.
- ❖ تنظیم اجباری خانواده‌ها پیامدهای ناگواری علاوه بر نقض آزادی تولید مثل به دنبال دارد. از جمله تاثیر نامطلوب بر مرگ و میر نوزادان (ترجیح بر نوزادان پسر و ضد جنسیت بر علیه نوزادان مونث).

فصل نهم : جمعیت، غذا و آزادی

- ❖ در مورد دلایل کاهش باروری نظریه‌های فراوانی وجود دارد. یکی از آنها **مدل تعیین باروری بکر** است. در تحلیل بکر اثرات توسعه اقتصادی بر سرمایه‌گذاری در بهبود کیفیت زندگی کودکان (مانند سرمایه‌گذاری در امر آموزش) نقش مهمی دارد. در مقابل این رویکرد، نظریه‌های اجتماعی کاهش باروری به **تغییرات در سلايق که نتیجه توسعه اجتماعی مانند گسترش آموزش** است، توجه دارد.
- ❖ یکی دیگر از تحلیل‌های در این زمینه به **اثر محوری مخیر بودن زنان** در مقابل تصمیم‌های خانواده و خاستگاه هنجارهای مشترک اهمیت زیادی قایل است.
- ❖ راه حل مشکل رشد جمعیت در آزادی مردم که علایق آنها مستقیماً به وسیله وضع حمل و بچه‌داری توسط زنان جوان تاثیر می‌پذیرد نهفته است. برای یافتن راه‌حلی جهت مشکل جمعیت **نیازمند آزادی بیشتری هستیم نه کمتر.**

فصل دهم : فرهنگ و حقوق بشر

- ❖ در سال‌های اخیر ایده حقوق بشر جایگاه والایی کسب و در گفتمان بین‌المللی منزلت اجتماعی رسمی یافته است. مساله حقوق بشر در واقع یک مبنای رورشنفکرانه دارد که سه انتقاد بر آن وارد است:
- ❖ **نقد مشروعیت:** این حقوق زمانی می‌تواند منزلت اجتماعی داشته باشد که توسط دولت ضمانت اجرایی داشته باشد. به عبارت دیگر در این دیدگاه انسان در بدو تولد از حقوقی برخوردار نیست و این حقوق باید از طریق قانون‌گذاری تامین شود.
- ❖ **مشکل اخلاق و سیاست حقوق بشر:** در این دیدگاه حقوق مجموعه‌ای است که به وظایف مرتبط با هم احتیاج دارد. اگر شخص (الف) حق (م) را داشته باشد، بنابراین واسطه‌ای مانند (ب) باید وجود داشته باشد که با احساس مسئولیت حق (م) را به شخص (الف) بدهد. در این حالت اگر این وظایف به رسمیت شناخته نشوند حقوق درخواستی از این دیدگاه بی‌معنی است. زیرا در برشمردن حقوق بشر به‌عنوان حقوق، مفهوم خود را از دست می‌دهد. در واقع در این دیدگاه حقوق بشر هر چند دلگرم‌کننده اما از انسجام برخوردار نیست.
- ❖ **حقوق بشر در حوزه اخلاقی و اجتماعی قرار دارد:** صلاحیت اخلاقی حقوق بشر در این دیدگاه بسته به ماهیت اخلاقی پذیرفته می‌شود. ولی آیا این اخلاقیات در همه دنیا پذیرفته می‌شود و جهان شمول هستند؛ اگر در فرهنگ‌هایی حقوق در غالب شکل جهان شمول آن را نپذیرند چه خواهد شد!

فصل دهم : فرهنگ و حقوق بشر

❖ در غرب معاصر تفکراتی مبنی بر این که نسبت **آزادی سیاسی و مردم سالاری به بنیاد فرهنگ غربی** مرتبط است که به آسانی در آسیا نمی‌توان دید، وجود دارد. به عبارت دیگر از این دیدگاه در آسیا **استدلال اقتدارگرایانه** وجود دارد. آنها ادعا می‌کنند که آزادی‌های فردی در فرهنگ‌های آسیایی ارزشمند نیستند.

نمونه‌هایی از شرق

- ❖ تفاسیر کنفوسیوسی (تعبیر خاص اقتدارگرایان از آن برای پیشبرد اهداف)
- ❖ اشوکا و کاوتیلیا (نمونه‌هایی از کسانی که به برابری معتقد بودند در هند)
- ❖ تسامح اسلامی (اکبر شاه: وی زمانی تسامح را در مورد ادیان و مذهب مطرح کرد که اروپا در حال تفتیش عقاید در سطح وسیع بود! اما در عین حال به برابری جنسیتی و جوانان اهمیت کمتری می‌داد)
- ❖ ابوریحان بیرونی (اعتراض وی به بی حرمتی به اجانب (غریبه‌ها)؛ وی بیشتر عمر خود را صرف ترویج تفاهم و تساهل متقابل در قرن ۱۱ کرد)

فصل دهم : فرهنگ و حقوق بشر

- ❖ ارزشمند دانستن این آزادی‌ها فقط به فرهنگ غرب محدود نمی‌شود و این فرهنگ تنها فرهنگی نیست که ما را برای رویکرد مبتنی بر آزادی جهت فهم و شناخت اجتماعی آماده کند.
- ❖ ما انسان‌ها توانایی آن را داریم که از چیزهایی که ریشه در جاهای دیگر دارند لذت ببریم.
- ❖ ارائه تصویر خودکفایی منطقه‌ای در موضوعات فرهنگی کاملاً گمراه کننده است و ماندگاری ارزش حفظ سنت‌های ناب بسیار دشوار است.
- ❖ امروزه دیگر نمی‌توان گفت چه چیزی غربی و چه چیزی غیر غربی است.
- ❖ رویکرد مناسب از توسعه نمی‌تواند به طور واقعی صرفاً بر کسانی که در قدرت هستند متکی باشد؛ این دایره باید وسیع‌تر باشد؛ ضرورت مشارکت همگانی فقط چرندیات زاهدمابانه نیستند در واقع **ایده توسعه** را نمی‌توان از **مشارکت همگانی** تفکیک نمود
- ❖ نگرش به تاریخ آسیا برحسب ارزش‌های اقتدار گرایانه، **بی انصافی نسبت به تنوع غنی افکار در سنت‌های فکر آسیایی** است؛ تاریخ غیرشفاف آسیا توجیه کننده سیاست‌های غیرشفاف نمی‌تواند باشد.

فصل یازدهم: انتخاب اجتماعی و رفتار فردی

- ❖ یکی از بحث‌هایی که **انتخاب اجتماعی عقلایی** را مورد پرسش قرار می‌دهد یادآور **نظریه ناممکنی** کنت آرو است.
- ❖ برخی مواقع گفته می‌شود که در شرایط **وجود ناهمگنی** در ترجیحات و ارزش‌های افراد مختلف امکان چارچوبی منسجم برای **ارزیابی اجتماعی مبتنی بر عقلانیت و برهان** وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر هیچ چیزی به‌عنوان یک ارزیابی اجتماعی منسجم و عقلانی نمی‌توان یافت.
- ❖ در حقیقت قضیه **آرو** به دنبال تصدیق ناممکن بودن انتخاب اجتماعی عقلایی نیست. این ناممکنی زمانی اتفاق می‌افتد که انتخاب اجتماعی بر مبنای **دسته‌ای محدود از اطلاعات** انجام گیرد. در اتخاذ تصمیم اجتماعی درباره موضوعات اقتصادی، طبیعی خواهد بود که انواع دیگری از اطلاعات مورد ملاحظه قرار گیرند.
- ❖ در بررسی انتخاب اجتماعی عقلایی باید به موضوع **تغییرات آزادی و پیامدهای غیرارادی** توجه کرد. معمولاً همه چیز آن گونه که برنامه‌ریزی می‌شود پیش نخواهد رفت؛ در واقع هیچ گونه مقتضیات عمومی در دست نیست که در آن نوعی آثار غیر ارادی وجود نداشته باشد؛ ولی باید توجه کرد که پیامد غیر ارادی الزاماً غیر قابل پیش‌بینی نیست بلکه با تفسیر علی می‌توان تاثیرات ناخواسته را به‌طور معقولی پیش‌بینی کرد.

فصل یازدهم : انتخاب اجتماعی و رفتار فردی

- ❖ بحث دیگر **شناخت و درک انگیزه‌ها** است. در این بحث بشر به‌طور سازش‌ناپذیری **خودمحور و خودخواه** معرفی می‌شود و چنان وانمود می‌شود که تنها نظام کارآمد، **نظام بازار سرمایه‌داری** است در حالی که این دیدگاه توسط مشاهدات تجربی به آسانی قابل تایید نیست.
- ❖ موفقیت سرمایه‌داری تنها در **گرو منافع شخصی** نیست، بلکه مبتنی بر **نظام ارزشی پیچیده‌ای** است که عناصر بسیاری در حوزه اخلاقیات رفتاری مانند **اعتماد، اطمینان و صداقت در معامله** در آن موثر هستند.
- ❖ برخی از اقتصاد دانان فرض می‌کنند که جامعه متأثر از نظام‌های ارزشی نیست؛ این همان قدر واقعی است که در برابر این فرض که همه انسان‌ها به شدت اخلاقی و ارزش‌گرا هستند دچار افراط و احساسات شویم. در هر صورت باید به **تنوع اولویت‌ها و هنجارها** توجه کرد.

فصل دوازدهم : آزادی فردی به مثابه مسؤلیت اجتماعی

- ❖ اصل این ادعا که مردم باید برای **توسعه و تغییر جهانی** که در آن زندگی می‌کنند **مسئولیت** داشته باشند پذیرفتنی است. قبول این رابطه نیاز به اعتقاد دینی یا قید دینی ندارد. مسؤلیت‌پذیری افراد، این سوال را پیش می‌آورد که آیا شخص خود نباید برای آنچه برای او پیش می‌آید مسئول باشد؟ به عبارت دیگر چرا دیگران در تاثیرگذاری بر زندگی فرد مسئول شناخته می‌شوند؟
- ❖ آرتور لوییس نیز در اثر معروف خود (نظریه رشد اقتصادی) بیان می‌کند که **هدف توسعه افزایش دامنه انتخاب انسانی** است. البته لوییس بعد از ذکر این نکته انگیزشی در نهایت تحلیل خود را بر **رشد تولید سرانه متمرکز** می‌کند با این استدلال که این امر **باعث کنترل بیشتر انسان بر محیط خود** و در نتیجه **افزایش آزادی** او می‌شود.
- ❖ بدون وجود آزادی احساس مسؤلیت در انجام امور بی‌معنی است.
- ❖ از طرف دیگر برخورداری از آزادی و قابلیت انجام کار، مسؤلیت فردی را به همراه دارد. به این ترتیب آزادی **شرط لازم و کافی** برای مسؤلیت‌پذیری است.

فصل دوازدهم : آزادی فردی به مثابه مسؤلیت اجتماعی

❖ توجه به آزادی در فرایند توسعه به رغم تمرکز برخی متون اخیر بر شاخص‌های محدودی نظیر رشد تولید ناخالص ملی سرانه، ریشه در نظریات سنتی کاملاً طولانی از جمله نظریات ارسطو دارد. **آدام اسمیت** آشکارا متوجه آزادی‌های اساسی انسان بود، **کارل مارکس**، **جان استوارت میل**، **فویریش هایک** و بسیاری دیگر از اقتصاددانان توسعه بر اهمیت آزادی انتخاب به‌عنوان معیار توسعه تاکید دارند.

❖ در این کتاب رویکردی خاص از توسعه ارئه شد. رویکردی که بیانگر **فرایند گسترش آزادی‌های اساسی** است که مردم از آن برخوردارند. مجموعه‌ای از نهادهای متنوع در فرایند توسعه، از طریق آثار آنها بر تقویت و پایداری این آزادی‌ها نقش دارند. ❖ نمی‌توان به نگرشی از توسعه که فقط متکی بر فرمول ساده انباشت سرمایه یا گسترش بازار و ... است، اکتفا کرد.



فصل دوازدهم : آزادی فردی به مثابه مسؤلیت اجتماعی

همان طور که ویلیام کوپر می گوید:

آزادی هزاران جلوه برای عرضه دارد که بردگان، هر چند راضی، هرگز از آن با خبر نخواهند شد.

در واقع توسعه عصاره امکانات آزادی است.

نکات کتاب برای امروز ما

توانمندسازی زنان و توجه به نقش فاعلی آنها

مردم سالاری و اقتصاد بازار / برقراری
نظام حمایتی مبتنی بر شایستگی‌های فردی
(نظام تامین اجتماعی، بیمه بیکاری و ...)

اهمیت مسئولیت‌پذیری، ایجاد
هنجارهای مشترک و حقوق بشر /
آزادی انتخاب مبتنی بر از طریق
پایش تغییرات آزادی و پیش‌بینی
پیامدهای غیرارادی



توسعه آزادی‌های فردی (حمایت دولت و
حفاظت اجتماعی) و برقراری عدالت
اجتماعی و توسعه قابلیت‌های فردی

سرکوب عوامل ضد آزادی /
ایجاد فرایندها و فرصت‌های
کافی اجتماعی و اقتصادی